

۱۳۸ - صلح عمومی و محکمه کبری

و نیز در خطابی است قوله العزیز: " امر به تشکیل محکمه کبری فرمودند تا جمیع ملل و دول نمایندگان انتخاب نمایند و مجلس اعیان تصدیق فرمایند و وزراء امضاء کنند و پادشاهان و رؤساء جمهور تصدیق فرمایند تا آن نماینده ممثل جمیع ملت و اعیان و وزراء و پادشاه و رئیس جمهور باشد و از این نمایندگان محفلی در نهایت روح و ریحان تشکیل گردد و محکمه کبری تأسیس یابد و جمیع مسائل مهمه و مشاكل عظیمه بین الملل و الدول در آن محکمه کبری حل شود تا بنیان جنگ بر افتد و عالم انسانی از این عار و ننگ رهائی یابد "

و قوله العزیز: " صلح عمومی است و تا رایت صلح عمومی بلند نگردد محکمه کبری عالم انسانی تشکیل نشود و جمیع امور ما به الاختلاف دول و ملل در آن محکمه قطع و فصل نگردد عالم آفرینش آسایش نیابد بلکه هر روز بنیان بشر زیر و زبر گردد و آتش فتنه زبانه کشد و ممالک قریب و بعید را مثل خاکستر کند جوانان نو رسیده هدف تیر اعتساف گردند اطفال مظلوم یتیم ، بی پرستار مانند و مادرهای مهربان در ماتم نو جوانان خویش نوحه و ندبه نمایند شهرها خراب شود و ممالک ویران گردد چاره این ظلم و اعتساف صلح عمومی است "

و در جواب نامه جمعیت صلح لاهای است قوله العزیز: " حرب ویرانی است . صلح عمومی ، آبادی ، حرب ممت است و صلح حیات . حرب دزدگی و خونخواری و صلح مهربانی و انسانی . حرب از مقتضای عالم طبیعت است و صلح از اساس دین الهی . حرب ظلمت اندر ظلمت است و صلح انوار آسمانی . حرب هادم بنیان آسمانی و صلح حیات ابدی عالم انسانی . حرب مشابهت با گرگ خونخوار است و صلح مشابهت با ملائکه آسمانی . حرب منازعه بقاست صلح تعاون و تعاضد بین ملل در این جهان و سبب رضایت حق در جهان آسمانی حال صلح عمومی امری است عظیم ولی وحدت وجدان لازم است که اساس این امر عظیم گردد تا اساس متین شود و بنیان رزین گردد لهذا حضرت بهاءالله پنجاه سال پیش بنیان صلح عمومی فرمود ... از جمله تعالیم اعلان صلح عمومی بود ... حضرت بهاءالله میفرماید که باید هیئات محکمه کبری تشکیل شود زیرا جمعیت امم هر چند تشکیل شد ولی از عهده صلح عمومی برنیاید اما محکمه کبری که حضرت بهاءالله

بیان فرموده این وظیفهٔ مقدّسه را بنهایت قوّت و قدرت ایفا خواهد کرد و آن این است که مجالس ملّیهٔ هر دولت و ملّت یعنی پارلمنت اشخاصی از نخبهٔ آن ملّت که در جمیع قوانین حقوق بین دولی و مللی مطلع و در فنون متفّن و بر احتیاجات ضروریّهٔ عالم انسانی در این ایّام واقف دو شخص یا سه شخص انتخاب نماید بحسب کثرت و قلّت آن ملّت این اشخاصی که از طرف مجلس ملّی یعنی پارلمنت انتخاب شده‌اند مجلس اعیان نیز تصدیق نمایند و همچنین مجلس شیوخ و همچنین هیئات وزراء و همچنین رئیس جمهور یا امپراطور تا این اشخاص منتخب عموم آن ملّت و دولت باشند از این اشخاص محکمهٔ کبری تشکیل میشود که جمیع عالم بشر در آن مشترک است زیرا هر یک از این نمایندگان عبارت از تمام آن ملّت است چون این محکمهٔ کبری در مسأله‌ای از مسائل بین المللی یا بالاتفاق یا بالاکثریّهٔ حکم فرماید نه مدّعی را بهانه مانند نه مدّعی علیه را اعتراض، هرگاه دولتی از دول یا ملّتی از ملل در اجرای تنفیذ حکم مبرم محکمهٔ کبری تعلّل و تراخی نماید عالم انسانی بر او قیام کند زیرا ظهیر این محکمهٔ کبری جمیع دول و ملل عالمند"

و در رسالهٔ مدنیّه است قوله المتین: "تمدّن حقیقی وقتی در قطب عالم علم افرازد که چند ملوک بزرگوار بلند همّت چون آفتاب رخشندهٔ عالم غیرت و حمیّت بجهت خیریت و سعادت عموم بشر بعزمی ثابت ورّای راسخ قدم پیش نهاده مسألهٔ صلح عمومی را در میدان مشورت گذارند و بجمیع وسائل و وسائط تشبّث نموده عقد انجمن دول عالم نمایند و یک معاهدهٔ قویّه و میثاق و شروط محکمهٔ ثابته تاءسیس نمایند و اعلان نموده باتفاق عموم هیئات بشریّه مؤکد فرمایند این امر اتم اقوم را که فی الحقیقه سبب آسایش آفرینش است کلّ سگان ارض مقدّس شمرده جمیع قوای عالم متوجّه ثبوت و بقای این عهد اعظم باشند و در این معاهدهٔ تعیین و تحدید و ثغور هر دولتی گردد و توضیح روش و حرکت هر حکومتی شود و جمیع معاهدات و مناسبات دولیّه و روابط و ضوابط مابین هیئات حکومتیّهٔ بشریّه مقرر و معین گردد و کذلک قوهٔ حربیّهٔ هر حکومتی بحدّی معلوم مخصّص شود چه اگر تدارکات محاربه و قوهٔ عسکریّهٔ دولتی ازدیاد یابد سبب توهم دول سائره گردد باری اصل مبنای این عهد قویم را بر آن قرار دهند که اگر دولتی از دول من بعد شرطی از شروط را فسخ نماید کلّ دول عالم بر اضمحلال او قیام نمایند بلکه هیئات بشریّه بکمال قوت بر تدمیر آنحکومت برخیزد اگر جسم مریض عالم باین داروی اعظم موفّق گردد البتّه اعتدال کلی کسب نموده بشفای باقی دائمی فائز گردد ملاحظه فرمائید که اگر چنین نعمتی میسر شود هیچ سلطنت و حکومتی محتاج تهیّاً و تدارکات مهمّات جنگ و حرب نباشد و مضطرّ باصطناع آلات حربیّهٔ جدیده بجهت مقهوریت نوع انسان نگردد

بلکه بعسکر قلبی که سبب تأمین مملکت و تأدیب اهل فساد و شقاوت و منع فتن داخلیّه است محتاج و بس از اینجهت اولاً بندگان الهی عموم اهالی از تحمّل اثقال مصارف با هظه حربهّ دول راحت و مستریح شوند ثانیاً نفوس کثیره اوقات خود را دائماً در اصطناع آلات مضرّه که شواهد درندگی و خونخواری و منافی موهبت کلیّه عالم انسانی است صرف نمایند بلکه در آنچه سبب آسایش و حیات و زندگی جهانیان است کوشیده سبب فلاح و نجات نوع بشر گردند و عموم دول عالم بکمال عزّت بر سریر تاجداری مستقرّ و کافّه قبائل و امم در مهد آسایش و راحت آرمیده و مستریح شوند و بعضی اشخاص که از همم کلیّه عالم انسان بیخبرند این امر را بسیار مشکل بلکه محال و ممتنع شمرند نه چنان است بلکه از فضل پروردگار و عنایت مقرّبین درگاه آفریدگار و همّت بی‌همتای نفوس کامله باهره و افکار و آراء فرائد زمانه هیچ امری در وجود ممتنع و محال نبوده و نیست همّت غیرت لازم است چه بسیار ازامور در ازمنه سابقه از مقوله ممتنعات شمرده میشد که ابداً عقول تصوّر وقوع آنرا نمینمود و حال ملاحظه مینمائیم که بسیار سهل و آسان گشته و این امر اعظم اقوم که فی الحقیقه آفتاب انور جهان مدنیّت و سبب فوز و فلاح و راحت و نجات کلّ است از چه جهت ممتنع و محال فرض شود و لابدّ بر این است که عاقبت شاهد این سعادت در انجمن عالم جلوه گر گردد چه که آلات و ادوات حربیه بر این منوال بدرجه ای رسد که حرب بدرجه ما لا یطاق هیئات بشریه واصل گردد "